

غزلیات سعدی

شاعر: شمس الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی

انتشارات آوای دانیال

تهران - ۱۳۹۶

سرشناسه: سعدی، مصلح بن عبدالله، ۹۶۹۱ق. عنوان قرارداد: غزلیات.
عنوان و نام پدیدآور: غزلیات سعدی / شرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی
شیرازی. مشخصات نشر: تهران: آوای دانیال، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری:
۳۸۰ص. شابک: ۰-۱۳-۸۱۴۳-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی:
فیا. موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ق. شناسه افزوده: فروغی، محمدعلی،
۱۲۵۴ - ۱۳۲۱، مصحح. رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲۰۴ PIR۵. رده بندی
یویی: ۸۳۱/۸۸۸ شماره کتابشناسی: ۴۹۶۶۰۵۱



انتشارات آوای دانیال

میدان انقلاب، جنب ۱۲ روبرو، کوچه بهشت آیین، پلاک ۲۸

تلفن: ۶۶۴۱ ۴۴۳۵ - ۶۶۴۱ ۴۴۳۵

غزلیات سعدی

شرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی
براساس نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی

ناشر: انتشارات آوای دانیال

ناظر چاپ: جعفر شیرمحمدی

تیراژ: ۲۰۰ جلد

نویت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شابک: ۰-۱۳-۸۱۴۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۵	مقدمه
۱۹	حرف ا ب
۳۳	حرف ب
۳۵	حرف ت
۱۰۶	حرف د
۱۸۳	حرف ر
۱۹۳	حرف ز
۱۹۷	حرف س
۱۹۸	حرف ش
۲۱۲	حرف غ
۲۱۲	حرف گ
۲۱	حرف ل
۲۱۷	حرف م
۲۷۰	حرف ن

۲۷۰	و در نسخ متأخر در قصاید
۲۹۰	حرف و
۲۹۴	حرف ه
۳۰۰	حرف ی

مقدمه به نام ایزد مهربان

دو سال پیش یعنی ۱۳۵۶ هجری، به سال قمری درست سال هفتصدم تصنیف «گلستان» شیخ سعدی بود و توجه به این امر اهل ذوق را به جنبش آورد. نه بیت به شیخ اجل ارادتی بنمایند تا سعادت بیبرند و اینجانب که از دیوانه‌ها بودم که وسائل تهیه نسخه صحیحی از «گلستان» بدست آوردم، بحسب اتفاق همان اوقات اسباب را بالنسبه فراهم دیدم و با مساعدت امنش و وزارت فرهنگ دولت شاهنشاهی، به انجام این کار دست بردم و نسبت به ترتیب دادیم در آغاز آن سال بچاپ رسید و صاحب‌نظران پسندیدند و به تعزیه این اقدام در آثار دیگر شیخ نیز ترغیب فرمودند. بنابر این در همان سال کتاب «بوستان» را نیز بر همان نمط منتشر ساختیم و اینک نوبت به «غریبان» و قصاید و آثار دیگر شیخ رسیده و بنا را بر این گذاشته‌ایم که این مجموعه را هم در دو مجلد باتمام برسانیم و برای اینکه خاطر دانشمندان از مثنوی که در گرد آوردن این دو مجلد پیش گرفته‌ایم آگاه باشد به توضیحات ذیل می‌پردازیم:

۱- نخست اینکه هر یک از این دو مجلد مشتمل بر چه آثاری از شیخ بزرگوار خواهد بود و یکی از مهمترین تصرف ما در این کتاب همانست

که در این باب بکار برده‌ایم، بر این پایه که قصاید و قطعات شیخ اکثر مشتمل بر موعظ و حکم است و از غزلیات و رباعیات هم مقداری همین حال را دارد و بقیه مغالزه و معاشقه است، چنانکه می‌توان کلیه آثار شیخ را به این دو قسمت منقسم ساخت: یکی موعظه و حکمت، دیگر مغالزه و معاشقه.

روشی که ما در فراهم ساختن این دو مجلد پیش گرفتیم مبنی بر این دو قسم است. بنابر این آنچه از غزلیات و رباعیات و قطعات را که صورت مغالزه دارد، در یک مجلد گرد آوردیم و آن همین کتابی است که فعلاً به نظر خوانندگان می‌رسد و قصاید را که اکثر مشتمل بر پند و اندرز است با غزل‌هایی که صورت حکمت و موعظه است و رباعیات و قطعاتی که این حال را دارد به مجلد دیگر که اگر توفیق انجام آن را یافتیم جلد آخر کلیات خواهد بود، محارل می‌داریم. این تقسیم گذشته از اینکه به نظر ما تقسیمی طبیعی و منطقی است، این مزیت را هم دارد که اگر کسی معتقد باشد که خواندن اشعار معالزه برسان کسانی که در آغاز جوانی هستند مناسب نیست، می‌تواند جوانان را از مطالعه این مجلد باز دارد و مجلد دیگر را بی دغدغه خاطر در دست آنان بگذارد.

۲- تصرف مهم دیگر ما اینست که در تدوین غزل‌ها و قطعات از پیروی ترتیب معمول که آنها را به چندین مجموعه بنام «بدایع» و «بدایع» و «خواتیم» و «غزلیات قدیم» و «ملمعات» و «صاحبیه» قسمت کرده‌اند، صرف نظر کردیم و مجموعه غزل‌های معاشقه را در یک رشته بترتیب حروف قوافی منتظم نمودیم و از قطعات و رباعیات هم آنچه بر

این منوال بود دنباله آنها قرار دادیم. کسانی که معتقدند که این تقسیمات از خود شیخ است، ممکن است این تصرف ما را نپسندند ولیکن آنچه ما را بر اختیار این روش برانگیخت این بود که یقین نمی توان داشت که این تقسیمات از خود شیخ باشد، زیرا دلایلی که معتقدان می توانند اقامه کنند یکی این است که کس دیگر غیر از شیخ چه داعی داشته است بر اینکه غزلیات را به این نحو تقسیم کند. دوم اینکه کمتر مجموعه ای از غزلیات دیده شده - حتی آنها که بسیار قدیمند - که این تقسم را نداشته باشند، بلکه در بعضی قید شده که از روی خط شیخ نوشته شده است. سوم اینکه از کلمات خود شیخ می توان دریافت که او این تقسیم را کرده است، چنان که در پایان یکی از غزل های «طبیات» می گوید: چند خواهی گفت «طبیات» اگر ندارد و از پادان غزلی از بدایع می فرماید: گرت بدایع سعدی نباشد اندر بار به پیش اهل معانی چهارمغان آری ولیکن در جواب دلیل اول می توان گفت قدیمترین نسخه از کلیات که تاریخش معلوم است کمتر از بیست و چهار سال از وفات شیخ فاصله ندارد و ما نمی دانیم تدوین کننده کلیات چه کسی بوده و به چه نظر تدوین کرده است و از کجا که تدوین کننده غیر از خود شیخ نبوده و شاید ملاحظات و موجباتی برای این تقسیم داشته است که بر ما مجهول است. و اما اینکه در بعضی نسخ قید کرده اند که از روی خط شیخ نوشته اند اولاً باین سخن اطمینان نمی توان کرد چون در بعضی دیده ایم که این ادعا حقیقت ندارد. ثانیاً با این که می دانیم کتاب و نسخه کنندگان مقید نبوده اند به اینکه در استنساخ کاملاً از نسخه اصل

پیروی کنند، بر فرض که قبول کنیم که از روی خط شیخ نوشته‌اند از کجا مطمئن شویم از خود تصرفی نکرده‌اند، چنانکه «بوستان» را می‌بینیم در نسخه‌های بسیار قدیم باین اسم خوانده نشده و مثل اینست که اصلاً شیخ برای آن نامی ننهاده است چون می‌بینیم نسخه‌های قدیم آنرا «سعدی، نامه» می‌نامند و یقین است که «سعدی نامه» اسمی نیست که سعدی بر «بوستان» نهاده باشد، در این صورت چگونه می‌توانیم یقین کنیم که مجموعه‌های غزلیات خود را بنامی خوانده باشد و این نام‌ها مانند نام «بوستان» بر لب دیگران نباشد؟ خاصه اینکه نسبت به «ملمعات» این اثر را می‌توان یقین نمود زیرا که در نسخه‌های کهنه «ملمعات» را از غزل‌های دیگر جدا نکرده‌اند و معلوم است که این کار از خوش خیالی‌های دیگران است. در جواب دلیل سوم می‌گوییم از کجا می‌توان یقین کرد که مقصود شیخ در اشعار مزبور از «طبیات» و «بدایع» مجموعه غزلیات موسوم به «طبیات» و «بدایع» بوده است و اگر در باب لفظ «طبیات» اظهار عقیده مشکل باشد بخواهیم بگوئیم که قرینه در دست ما نیست، در باب لفظ «بدایع» هیچ بعید نیست که ما می‌توانیم عارف آن در نظر بوده است و من استیحا ش ندارم از اینکه فرض کنم رحمت‌الله علیه منین الفاظ در اشعار شیخ بعضی را محرک شده است که این اسامی را اختیار کنند. و مانع بزرگ بر اعتقاد به اینکه اشاره شیخ در این اشعار به مجموعه «طبیات» و «بدایع» است، این است که در اینصورت باید قائل باشیم که شیخ قبل از آنکه مجموعه‌ها را گرد آورده باشد، این تقسیم را کرده و این نام‌ها را گذاشته است، به عبارت دیگر باید فرض کنیم وقتی شیخ بنابر

این گذاشته است که مجموعه‌ای از غزلیات درست کند و نامش را «طیبات» بگذارد، و مجموعه دیگر از غزلیات بسازد و آنرا «بدایع» بخواند، ولیکن این فرض به نظر من معقول نیست و بسیار مستبعد است که شاعر غزل‌سرا پیش از سرودن غزل‌ها نیت کند که آنها را چند مجموعه بسازد و به هریک نامی بگذارد و خاصه اینکه از تأمل در غزل‌های سعدی تقریباً یقین حاصل می‌شود که از غزل‌سرایی مقصودش شاعرانه و تصنیف کتاب نبوده بلکه هر غزل را بطبیعت بنا بر مناسبتی و پیش آمدنی و حسب حالی فرموده است، هر وقت به وصال می‌رسیده شادی خود را به شعر ابراز می‌نموده، و هر زمان به فراق مبتلا می‌شده به زبان شعر می‌نالیده است. همه چنین حالات دیگر، و شعر گفتن برای سعدی کاملاً مانند آواز خواندن کسانی است که شغلشان آوازه خوانی نیست و بمقتضای حال آوازشان می‌آید، یا مرغانی که از تأثیر آب و هوا و حالات زندگانی سر و صدا می‌کنند و یک سر دلچسب بودن اشعار همین است.

البته این کیفیت مانع نیست از اینکه شیخ حسن از آنکه مقدار زیادی غزل سروده آنها را جمع آوری نموده و به نامی خوانده باشد و این احتمال مخصوصاً در تسمیه به غزلیات قدیم و خواندن دهان بسیار نزدیک می‌آید جز اینکه فرضاً این احتمال را قوی بدانیم مشکل دیگری پیش می‌آید و آن این است که نسخه‌های کلیات درین قسمت دقیق نیستند، بعضی یک غزل را در «طیبات» گذاشته‌اند، بعضی همان را در «بدایع» یا قسمت‌های دیگر قرار داده‌اند، چنانکه اگر هم می‌خواستیم آن

تقسیمات را پیروی کنیم در بسیاری از غزل‌ها سرگردان می‌ماندیم که در چه قسمت بگذاریم.

ملاحظه دیگر اینکه غزل‌های شیخ سعدی، گذشته از قسمتی که به مراعظ و مغالزه کرده‌ایم، از جهت سنخ مطلب و مناسباتی که در آنها ملحوظ شود هیچ نوع تفاوتی با یکدیگر ندارند که موجب تقسیم بندی شود و در تقسیم که شده حتی پستی و بلندی اشعار چهارگانه هم غزل است بسیار اند دیده می‌شود هم غزل‌هایی که نسبتاً پست‌تر است، پس این ملاحظه را هم نمی‌توانیم مآخذ تقسیم بدانیم.

حاصل اینکه این تقسیمات را نه می‌توان یقین داشت که خود شیخ کرده باشد، نه مبنی بر مناسباتی است که بتوانیم موجب قبول فرض کنیم، پس جایز دانستیم که آن را کنار بگذاریم ولیکن برای کسانی که بخواهند بدانند هر غزلی در نسخ‌های چایی و در نسخ متأخر جزء چه مجموعه‌ای قرار داده شده، در صد غزل‌های دملوی شماره علامت «ط» و «ب» و «خ» و «ق» و «م» گذاشته‌ایم که از لیست شماره به «طیبات» و دومی به «بدایع» و سومی به «خواتیم» و چهارمی «غزلیات قدیم» و پنجمی به «ملمعات» است.

در اینجا بی‌مناسبت نیست که خاطر نشان کنیم که از ترجمه دقیق و مقایسه نسخ قدیم می‌توان قائل شد که تنظیم‌کنندگان اولیه غزلیات را یکنوع روابط معنوی و سنخیت شعری را منظور داشته‌اند که پس از اینکه ابوبکر بیستون کلیات را تنظیم کرده است، آن جهات و مناسبات از میان رفته است. در آغاز «طیبات» در نسخ قدیم معمولاً اشعار «فضل

خدای را که تواند شمار کرد» و «اول دفتر بنام ایزد دانا» در قفای یکدیگر آمده، و پس از آن غزل‌هایی که در ستایش بزرگانست واقع شده و از آن پس غزلیات اصلی است و چنانکه در ذیل صفحه ۲۵۶ اشاره کرده‌ایم، نستین غزل آن «برآمد باد صبح و بوی نوروز» می‌باشد. غزلیاتی هم که در پند و اخلاق و معرفتست در پایان کتاب فراهم آمده و با غزل‌های عاشقانه آمیخته نشده و در این نسخه‌ها نه تنها این نکات رعایت شده که آنچه در مدح یا در پند است یکجا باشد بلکه رعایت‌های دقیق دیگری هم شده که با سر تا سر و توجه باید نگریست.

مثلاً بعد از غزل «مهرم وز سر حسرت بقفا می‌نگرم» غزل «سعدی اینک بقدم رفت و بسر باز آمد» واقع شده که در نسخه‌های دیگر از خطی و چاپی غزل اول را در «اسات» و دوم را در «خواتیم» و یا در «قصائد» آورده‌اند.

همچنین غزل شماره ۳۷۹ که به این بیت تمام می‌شود:
سعدی از دست فراق همه روز این می‌گفت

عهد بشکستی و ... سر پیمان بودم
پیش از غزل ۳۸۰ است که به این بیت آغاز می‌شود:
آمدی و که چه مشتاق و پریشان بودم

تا بر رفتی ز برم صورت ... بودم
و به این ترتیب مطلع و مقطع این دو غزل که یک نوع پیرامخی دلپسندی دارند، به هم مرتبط می‌شوند ولی در نسخ دیگر اولی در «طیبات» و دومی در «بدایع» (در بعضی نسخ هم در «خواتیم») ضبط

شده. سه غزل: «صبحی مبارکست نظر بر جمال دوست» و «آن به که چون منی نرسد در وصال دوست» و «گفتیم مگر بخواب بینم خیال دوست»

که هر سه بیک وزن و قافیت است در نسخ قدیم از پی هم است ولی در نسخه‌ای دیگر اولی را در «غزلیات قدیم» و دومی را در «خوانیم» و سومی را در «بدایع» آورده‌اند و ازین نمونه که به دست دادیم و نظائر آن هم بسیار است بر ویی آشکار می‌شود که تقسیم غزلیات به کتاب‌های مختلف مانند تمهید ندارد و اگر هم شیخ سعدی غزلیات خود را با رعایت جهات و مناسبات به صورت چهار یا پنج کتاب در آورده باشد، بعد از و کتاب نسخ را تنظیم و تنصیف کننده فهرست غزل‌ها، بطوری آنها را به یکدیگر آمیخته‌اند که تنظیم آن به صورت اول باسانی و بی وجود نسخه‌های تمامتر و قدیمتر ممکن نیست.

۳- تفاوت دیگری که تنظیم غزل‌ها در این مجموعه ما با مجموعه‌های دیگر دارد، این است که در مجموعه‌های دیگر معمولاً حرف آخر قافیه یا ردیف غزل‌ها را گرفته آنها را به ترتیب حروف هجا مرتب نموده‌اند، ضمناً حرف اول از مصراع اول غزل را نیز در ترتیب رعایت کرده‌اند. ما در ترتیب غزل‌ها بحرف آخر اکثراً ننکبیدیم. بعد از حرف آخر حرف ماقبل آخر و پس از آن حرف قبل از او را هم منظور داشتیم، به این ترتیب محل هر غزل را در مجموعه بهتر و زودتر می‌توان پیدا کرد و مابین چند غزل که حروف آنها همه مشترک باشد حرف اول مصراع اول مطلع را هم در ترتیب میزان تقدم قرار دادیم و این ترتیب این

مزیت را هم دارد که غزل‌هایی که یک ردیف یا یک قافیه دارند دنبال یکدیگر واقع می‌شوند و می‌توان دانست که در کلیات به فلان ردیف و فلان قافیه چند غزل هست و بعلاوه به فهرست جداگانه هم برای غزلیات حاجت نیست و هرکس قافیه و ردیف غزلی را بداند فوراً آن را در این مجموعه پیدا می‌کند. پس دانستن مصراع اول مطلع یا یک مصراع از مصراع‌های دوم هر غزل برای پیدا کردن آن کافی است و به فهرست و جست و جو حاجت نیست و از حسن اتفاق این روش بطرز تنظیم کتاب‌های قدیم بیشتر نزدیک است چه در آن نسخ غالباً غزل‌هایی که ردیف و قافیه آنها یک است و یا شبیه و نزدیک به هم است از پی یکدیگر در آمده است.

۴- چنانکه در ذیل صفحه ۶۸ گفتیم در یک یا دو نسخه غزل‌هایی یافتیم که گمان بردیم از شیخ نیست پس آنها را جداگانه به نام «ملحقات» در آخر کتاب قرار دادیم تا در باره آنها تحقیق و توجه بیشتر بشود اینک چنین می‌یابیم که غزل شماره ۲۸ و ۱۵۶ و ۱۶۰ و ۳۴۴ نیز سزاوار بود ازین جمله بشمار آید. در عوض اشعار و قطع‌نامه‌های «گلستان» آمده است، درجش را درین مجموعه لازم ندانستیم و آن‌ها را هم که مشتمل بر الفاظ و عبارات رکیک است شایسته حذف پنداشتیم. ضمناً خوانندگان را آگاه می‌سازیم که قسمتی از غزلیات که بصورت «بدر» و به نثر است در نسخه‌های معتبر بسیار قدیم دیده نمی‌شود.

۵- روش ما در تصحیح غزلیات همان روشی است که در تصحیح «بوستان» بکار برده‌ایم، یعنی چند نسخه بسیار قدیم معتبر را که در

دست داشتیم پیش گذاشتیم و متن معتبر پسندیده‌تر یافتیم اختیار نمودیم و اختلافاتی را که قابل توجه دانستیم نسخه بدل قرار دادیم و از آن پس متن مدون را با نسخه‌هایی که از اعتبار و صحت در درجه دوم و سوم واقع است، مطابقه و مقابله کرده نسخه بدل‌هایی را که قابل توجه یافتیم نه در ذیل صفحات آوردیم و در هر مورد توجه تام ما، به نسخه نفیس آقای شش خراسانی بوده است که بعد از این معرفی خواهیم کرد. گاه که عاقل می‌اند که نسخه بدلی که در ذیل صفحه آمده از متن صحیح‌تر و بهتر می‌نماید ولی ما شیوه خود را از دست ندادیم که اتفاق یا اکثریت نسخ که معتبر است می‌دانستیم و در دو سه مورد هم که از این طریقه تجاوز را داشته‌ایم، در ذیل صفحه بتصریح یاد کرده‌ایم.

و نیز خاطر خوانندگان را متوجه می‌کنیم که در کلیات شیخ، مانند بسیاری از شعرای متقدم، اشعاری دیده می‌شود که از جهت زیاده و نقصان یک حرف مانند «ت» و «م» و «ن» یا سلیقه ادبای متأخر موافق نیست حتی اینکه شاید این قبیل اشعار را خارج از وزن بدانند و لیکن بر حسب تتبع معلوم می‌شود که قدما این فقره را اضافی وزن شعر نمی‌دانستند و در هر حال ما متوجه این معنی بوده‌ایم و این امرض آن را لازم ندانستیم.

۶- در تدوین غزلیات، گذشته از نسخه‌های چاپی مختلف، نسخه‌های خطی معتبر که در دست ما بود یک فقره همان نسخه‌هاست که در تصحیح «بوستان» و «گلستان» نیز مورد استفاده ما بوده و مختصات هر یک را در مقدمه آن دو کتاب که بچاپ رسیده بر شمرده‌ایم

و در اینجا فقط چند نسخه معتبر دیگر را که در تصحیح غزلیات نیز از آنها استفاده بسیار کرده‌ایم، اجمالاً وصف می‌کنیم:

نسخه متعلق به دانشمند محترم آقای محمد دانش خراسانی که در ارباب و صحت و قدمت کتابت بی مانند و شاید در دنیا بی نظیر باشد.

این دو نسخه «بوستان» و «گلستان» را ندارد و از بقیه کلیات در حدود یک، عشق‌اندگی دارد. تاریخ کتابت آن در پایان «رساله عقل و عشق» بدین بارتست: «و کتبه العبد عبدالصمد بن محمد بن محمود اصلح الله شانه و غفر له» لولای فی شهر رمضان سنه احدى و عشرين و سبعمائه و از طایفه اینک لرد گرینوی انگلیسی، نسخه‌ای داشته است که شامل «گلستان» و «بوستان» و کمی از غزلیات است و چنانکه در مقدمه «بوستان» یاد کردیم و رگه‌ای عکسی آن در اختیار ماست این نسخه هم تاریخ کتابتش چنین نوشته شده «وقد فرغ من الانتساخ هذه الكتاب يعرف بالسعدی نامه» فی شهر صفر ختم الله بالخیر و الظفر سنة عشرين و سبعمائه علی یدی العبد الفاضل المحتاج الی رحمة الله تعالی عبدالصمد بن محمد بن محمود بن خلیفه بن عبد السلام البیضاوی اصلح الله شانه و غفر لصاحبه و لمن قال آمینا» و در این دو نسخه از قطع و خط یکسانست و کاتب هر دو عبدالصمد بن محمد بن محمود بوده، بطور قطع و یقین یک کتاب و یک دوره بوده که «بوستان» و «گلستان» آن را کاتب در صفر ۷۲۰ و قصائد و غزلیات و مجالس و غیره را در همان ۷۲۱ بپایان برده است. باری چنانکه گفته شد این نسخه بسیار معتبر و صحیح است و بقدری مورد توجه و اعتماد ما بوده که در واقع آن را

اصل و متن قرار داده‌ایم و اگر هم در مواردی از آن عدول کرده‌ایم و متن را به حاشیه برده‌ایم، غالباً از آن به «قدیمترین نسخه» تعبیر شده است. نسخه دیگر متعلق با آقای بدیع الزمان فروزانفر استاد دانشگاه است که آن نیز اعتباری بسزا دارد و ازین جهت بیشتر مورد توجه است که غزلیات آن بترتیب حروف اول هر غزل تنظیم شده، بی اینکه حروف آخر غزل رعایت شود و چنانکه در مقدمه نسخ معمول کلیات آمده، چون به ترتیب سرن در سال ۷۲۰ این روش را در تنظیم غزل‌های شیخ اختیار کرده. بعد از هشت سال یعنی در سال ۷۲۷ تنظیم فهرست را بحروف آخر هر غزل تبدیل نموده، اگر این نسخه که در تاریخ نوشته شده استنساخ شده است در حال گذشته از نظر تصحیح و مقابله، در انتساب غزلیات شیخ به سمت‌های چهارگانه «طبیات» و «بدایع» و «خواتیم» و «غزلیات قدیم» این کتاب همواره مورد استفاده ما بوده است.

این نکته را ناگفته نگذاریم که این نسخه وستان و قصائد فارسی را ندارد و همچنین بعضی از برگ‌های آن افتاده است و اتفاقاً در فهرست «طبیات» غزلی را یاد می‌کند که بدین مطلع است:

«خیز تا فتنه‌ای بر انگیزیم» و ما این غزل را در آن نسخه و در نسخه‌های دیگر نیافتیم.

در مقدمه «گلستان» نسخه آقای بزرگزاد را وصف کردیم و در اینجا می‌افزاییم که این نسخه نفیس بیاض مانند، گذشته از «گلستان» که بدون هیچ تغییر متن قرار داده شد و بچاپ رسید تقریباً شامل یک نهم از

غزلیات نیز هست و در این موقع که به تصحیح غزلیات دست بردیم، از همان مقدار اندک استفاده بسیار کردیم و به صحت آن بیشتر مطمئن شدیم.

در سال ۱۹۱۸ مسیحی یک نفر ایرلندی موسوم به ل. وایت کینگ، غزلیات سعدی را از روی نسخ قدیمه که در دسترس داشته بچاپ رسانده است. از این دو دوره کتاب «بدایع» را مجدداً در برلن با همان اسلوب چاپ کرده‌اند که نسخه آن در تهران بسیار است ولی «طبیات» آن را که در تهران نداریم از لندن خواستیم و مخصوصاً از نسخه بدل‌هایی که در ذیل صفحیات آمد استفاده کردیم.

نسخه دیگری نیز از کتبخانه دانشمند محترم آقای حاج حسین آقا ملک بدست آوردیم که تماماً و ثلث از غزلیات و قسمتی از قصائد عربیست. هر چند تاریخ کتابت آن را نمی‌توانیم ظاهراً در اوایل قرن نهم نوشته شده و از نسخ صحیح و معتبر است که در دسترس ما بوده است.

۷- در پایان سخن واجب می‌دانیم که نکاید سپاسگزاری خود را نسبت به کسانی که در این کار با ما یآوری کردند ادا کنیم، مخصوصاً آنها که نسخه‌های نفیس خود را مدتها با اختیار ما گذاشته‌اند و نام آن بزرگواران در مقدمه کتاب «گلستان» و «بوستان» و همین مقدمه رده شده است و وظیفه اختصاصی من اینست از زحمات آقای حبیب‌الله یعربی قدردانی کنم که در تهیه این مجموعه در همکاری با من به وجه احسن و احسن همواره از تحمل هیچگونه تعبی خودداری ننمودند، چنانکه شور و ذوق و بردباری ایشان در انجام این کار عامل مؤثر بود و از این گذشته

باید از وزارت فرهنگ دولت شاهنشاهی تشکر کنیم که سلسله جنبان این اقدام شدند و هر چند اینجانب در این عمل برای خود نفعی منظور نداشتم و فقط بمتضای ارادت صادقم بشیخ بزرگوار با کمال رغبت و اثایاق تحمل زحمت و صرف وقت نمودم ولیکن بدون مساعدتی که وزارت فرهنگ در فراهم آوردن نسخ خطی به ما فرمودند و مدد مالی که برای چاپ کتاب به آقای یغمایی رسانیدند البته حصول این مقصود باین آسانی میسر نمی گردید.

محمد علی فروغی - شهریور ۱۳۱۸